

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۲۹

## فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور اول لایحه اصلاح قانون توسعه معابر از ماده پنجم
- ۳ - شور دوم و تصویب لایحه میزان گردش اسکناس
- ۴ - پیکه شور اول لایحه اصلاح قانون توسعه معابر از ماده نهم
- ۵ - شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار بزرگانی خلوجی
- ۶ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم پیش از ظهر پریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۸ خرداد ماه را آقای (طوسی) منشی خواندند

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری هست (گفته شد - خیر)

صورت مجلس تصویب شد.

### [ ۲ - شور اول لایحه اصلاح قانون

توسعه معابر از ماده پنجم ]

رئیس - لایحه اصلاح قانون توسعه معابر از ماده پنجم

قرائت میشود.

ماده ۵ - نسبت بموقوفات با اطلاع و نظارت اداره اوقاف

شهرداری ملک مورد نیازمندی خود را از متولی یا متعبدی

موقوفه خریداری خواهد نمود.

رئیس - ماده ۶ :

ماده ۶ - عمارات مسکونی که صاحبان آن پروانه

ساختمان از شهرداری گرفته و ساخته اند هرگاه در نتیجه

تصدیم شهرداری بتوسعه یا احداث شارع یا میدان نادره سال

از تاریخ صدور اجازه خراب کردن آن لازم شود بهای  
آرا شهرداری نقداً میپردازد مگر اینکه مالک به اقساط  
رضایت دهد.

رئیس - آقای انوار.

انوار - این جا خواستم سؤال کنم از آقای وزیر یا

آقای خنبر که شهرداری در اجازه که داده است برای

ساختمان و بنای عمارت چه قسم است يك اجازه و پروانه

است که سابق میداده اند و يك اجازه است که اخیراً

معمول شده با آن عبارت هائی که می بینیم داده میشود

اینجا که نوشته است عمارات مسکونی که صاحبان آن

پروانه ساختمان از شهرداری گرفته و ساخته اند نظر بنده

این است که مراد از این پروانه چیست آیا آن پروانه

سابق است یا این پروانه است که جدیداً معمول شده اینکه

عین مذاکرات مشروح بود و نهمین جلسه از دوره دوازدهم قانون گذاری

(طبق قانون ۸ آذر ۱۳۰۸)

اداره تندنویسی و تحریر صورت مجلس

اینجا نوشته شده هر عمراتی که بنا شد خراب شود در صورت داشتن پروانه ساختمان تا ده سال بهای آرا خواهند داد منظور کدام پروانه است و شاید هم این باشد منظور این است نوشیجی داده شود.

**هاشمی (مخیر کمسیون)** - نسبت هر دو نوع پروانه خواهد بود. پروانه های رسمی که شهرداری داده است مشمول این ماده است و نسبت بهر دو پروانه قدیم و جدید است. - ماده ۷:

ماده ۷ - در صورتیکه از ملک یا با موقوفه علاوه بر آنچه جزو کثرت و با میدان و سایر نیازمندی های شهری میشود مقداری باقی بماند که با وضعیت حاضر مورد استفاده و انتفاع نباشد و قابلیت ساختمان جدید با انتفاعی نداشته باشد بتکلیف مالک با متولی شهرداری باید بانی ماند و به میزان بای زمین که جزو گذر شده خریداری نماید و اگر یا کثیر کی و زیبایی خیابان یا گذر ایجاد نماید که جلو آن دیوار کشیده شود مالک مجاور نمیتواند از کشیدن دیوار معائنات کند

**رئیس** - ماده ۸:

ماده ۸ - هرگاه بر اثر عملیات شهرداری ملکی مشرف به خیابان و گذر شود یا ملکی که مشرف به خیابان و گذر بود بر اثر توسعه مرغوب گرد بدو نتیجه این مرغوبیت بیش از صدی ده افزایش بها حاصل کنند این افزایش بوسیله کارشناس مطابق ماده ۳ از این باب خواهد شد و مالک ملک با مبرده مکلف است یک سوم افزایش حاصله را به شهرداری نفعاً و با بترتیب اقساط بپردازد و در صورت اخیر موعد پرداخت تمام اقساط از تاریخ قطبیت تا یکسال بعد تجاوز نماید.

**رئیس** - آقای انوار.

**انوار** - در این ماده توجه میدهم آقایان را با این موضوع این امر امارات مال یک فرد نیست و این کارها که یک فرد نیست شهرداری وقتی یک خیابانی احداث میکند تجارت که نمیکند شهرداری و وزارت کشور را بن مسئولیت وادارند و مقابل قانون

راجع به میزان کردنی اسکناس را با حضور آقای کبیل وزارت دارائی برای شور دور مطرح نموده و ماده واحده را بترتیب زیر اصلاح نموده اینک گزارش آن برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میشود:

ماده واحده - بانک ملی ایران مجاز است تا دو هزار میلیون ریال اسکناس روی هم رفته در کردنی داشته باشد و در مواقع لزوم از این اجازه استفاده نماید. کسر پشتوانه را کذا اسکناس های در کردنی از اعتبار جواهرات تأمین میشود. **رئیس** - معارضی نیست رأی گرفته میشود موافقت با ماده واحده و رفته سفید خواهند داد

( اخذ آراء بعمل آمده ۹۹ رفته سفید تعداد شد )

**رئیس** - بقیه حضار ۱۰۴ با اکثریت ۹۹ رأی تصویب شد؛

**[ ۴ ] - بقیه شور اول لایحه اصلاح قانون توسعه عملیات از ماده نهم**

**رئیس** - ماده نهم قانون اصلاح قانون توسعه معابر خوانده میشود

ماده ۹ - هرگاه در نتیجه تغییر و یا اصلاح گذر قسمتی از شارع عام از شارع بودن خارج شود آن قسمت متعلق به شهرداری خواهد بود و هرگاه شهرداری بخواهد آن قسمت را بفرشود در ملک آن مالک مجبور است که بواسطه موقوف شدن گرد او بفتح و افتتاح معبر و سایرین حق تقدم خواهد داشت و چنانچه این قسمت از زمین که از شارع بودن خارج شده کافی و قابل استفاده برای بنا نباشد مالک مجبور بدرنده تخیر است آرا بیهای عادی از شهرداری خریداری نماید و با از ملک خود باندازی که کافی برای

\* اسمی رای دهندگان: آقایان: نوبخت - مقرر اسماعیلی - دکتر نعم - مؤید امدی - فرخ - فروهر - منصوری - هدایت - قنوی - شردوانی - دکتر غنی - شیروی - دکتر ضیاء - مصطفی - تاجاب - ولسی - قیاس - قرش - زرافعی - نایبی - فروغی - وهی - یارو - انصار - دانشاندازه آملی - افشار - ملک مدنی - طاهر وحت سیدی - مشیر - شجاع - نفاذی - طری - مستوفی - مکرم اقتدار - دولتداری - اسماعیلیان - مصمصنک - مهدی - دکتر سیدی - یار امدی - اوزکی - دکتر طهری - انوار - دادور - دکتر قزاقچیان - حمزه - نوبخت - صفاری - سیدی - دکتر جوان - دشتی - حاکمباش پائیزی - موسوی - حمیدی - زوری - مسودی - آصف - چاپچی - آزادی - سیدی - کزوربان - جرجانی - مسگر - گوردی - دوقادر - دوقادر - مؤیدباشی - لیکور - افندی - لیلانی - مولوی - دکتر تاجیش - جلالی - لاریجانی - مرآت اسفندیلی - امدی - نواب پوری - اسمی - ملایری - پیک - عیسی - دکتر ملازاده - جلالی - ابراهیمی - ابراهیمی - وکی - ماکینین - مدتم - محدثی - دکتر لادن احمد پنهانی - دوشی.

بود و اینجا هم که همین مطلب است اینجا هم باید از احتیاج شهر داری خریداری کرد و یک ناص ناص باقی ماند آن ناص را باز شهر داری میخورد اما اینجا میگوید وقتی رفع احتیاج شد اگر ناص ماند شهر داری نتواند خرید این متناقض است باید در این ماده هم فید شود که آن تقصیر را بخرد اگر بنا باشد آرا بخرد در آن ماده هم فید شود که بخرد اگر مطلب غریز این است توضیحی بفرمایند تا بنده متقاعد شوم. **ولی غرض** - تذکره که آقای نمایندۀ عزم دادند باید عرض کنم که موضوع این بیست در قسمت ماده ۱۷ اگر یک چای کلی جزو گذرند و یک قسمتی پانی ماند البته آن قسمتی که جزو گذرند است آن قسمت را بایستی شهر داری پولش را بقیمت عادلۀ بدهد اما موضوع خیابان غریز این است بسا اتفاق افتاده است که شهر داری آمده است عرض یک خیابان را تعیین کرده است بعد از مدتی اظهار کرده است من احتیاج باین عرض ندارم و باید کمتر عرض معین شود محکم کنی که الا آن سوابق زیاد دارد که در شهر داری که اشتباه کرده اند شهر داری مطابق احتیاجی که دارو بایستی آن قسمتی را که لازم دارد از زمین بخیابان بر دارد و ترتیب کوفی را بدهد و دیگر زمینی از جهت توسعه خیابان برای مردم نداشته باشد باین معنی که اگر شهر داری خیابانی بر سر می متر ایجاد نکرد و بعد دید بیست متر احتیاج دارد آن دو متر اضافه را ببلک پس بدهد و این که نوشته شده هر قدر که برای خیابان مورد احتیاج است این بر نفع مالکین است و بر نفع آن اشخاص است که خانه شان جزو خیابان شده است ما خواستیم تصریح کنیم که شهر داری فقط این قسمت زمینی را بنواد بخرد که برای خیابان و گذر احتیاج دارد البته باینکه بیاید یک خطی را ترسیم کنند و بعد بیایند بگویند ما باین قدر احتیاج نداریم و کمتر احتیاج داریم و آن مالوازش را بدیخواهیم بیکتر بیانی عمل میکنیم که بفتح مالک باشد.

**ولیس** - ماده دوم

ماده ۱۰ - زمین و بناهای غرض و افه در داخل

بود و اینجا هم که همین مطلب است اینجا هم باید از احتیاج شهر داری خریداری کرد و یک ناص ناص باقی ماند آن ناص را باز شهر داری میخورد اما اینجا میگوید وقتی رفع احتیاج شد اگر ناص ماند شهر داری نتواند خرید این متناقض است باید در این ماده هم فید شود که آن تقصیر را بخرد اگر بنا باشد آرا بخرد در آن ماده هم فید شود که بخرد اگر مطلب غریز این است توضیحی بفرمایند تا بنده متقاعد شوم. **ولی غرض** - تذکره که آقای نمایندۀ عزم دادند باید عرض کنم که موضوع این بیست در قسمت ماده ۱۷ اگر یک چای کلی جزو گذرند و یک قسمتی پانی ماند البته آن قسمتی که جزو گذرند است آن قسمت را بایستی شهر داری پولش را بقیمت عادلۀ بدهد اما موضوع خیابان غریز این است بسا اتفاق افتاده است که شهر داری آمده است عرض یک خیابان را تعیین کرده است بعد از مدتی اظهار کرده است من احتیاج باین عرض ندارم و باید کمتر عرض معین شود محکم کنی که الا آن سوابق زیاد دارد که در شهر داری که اشتباه کرده اند شهر داری مطابق احتیاجی که دارو بایستی آن قسمتی را که لازم دارد از زمین بخیابان بر دارد و ترتیب کوفی را بدهد و دیگر زمینی از جهت توسعه خیابان برای مردم نداشته باشد باین معنی که اگر شهر داری خیابانی بر سر می متر ایجاد نکرد و بعد دید بیست متر احتیاج دارد آن دو متر اضافه را ببلک پس بدهد و این که نوشته شده هر قدر که برای خیابان مورد احتیاج است این بر نفع مالکین است و بر نفع آن اشخاص است که خانه شان جزو خیابان شده است ما خواستیم تصریح کنیم که شهر داری فقط این قسمت زمینی را بنواد بخرد که برای خیابان و گذر احتیاج دارد البته باینکه بیاید یک خطی را ترسیم کنند و بعد بیایند بگویند ما باین قدر احتیاج نداریم و کمتر احتیاج داریم و آن مالوازش را بدیخواهیم بیکتر بیانی عمل میکنیم که بفتح مالک باشد.

**ولیس** - ماده دوم

ماده ۱۰ - زمین و بناهای غرض و افه در داخل

بود و اینجا هم که همین مطلب است اینجا هم باید از احتیاج شهر داری خریداری کرد و یک ناص ناص باقی ماند آن ناص را باز شهر داری میخورد اما اینجا میگوید وقتی رفع احتیاج شد اگر ناص ماند شهر داری نتواند خرید این متناقض است باید در این ماده هم فید شود که آن تقصیر را بخرد اگر بنا باشد آرا بخرد در آن ماده هم فید شود که بخرد اگر مطلب غریز این است توضیحی بفرمایند تا بنده متقاعد شوم. **ولی غرض** - تذکره که آقای نمایندۀ عزم دادند باید عرض کنم که موضوع این بیست در قسمت ماده ۱۷ اگر یک چای کلی جزو گذرند و یک قسمتی پانی ماند البته آن قسمتی که جزو گذرند است آن قسمت را بایستی شهر داری پولش را بقیمت عادلۀ بدهد اما موضوع خیابان غریز این است بسا اتفاق افتاده است که شهر داری آمده است عرض یک خیابان را تعیین کرده است بعد از مدتی اظهار کرده است من احتیاج باین عرض ندارم و باید کمتر عرض معین شود محکم کنی که الا آن سوابق زیاد دارد که در شهر داری که اشتباه کرده اند شهر داری مطابق احتیاجی که دارو بایستی آن قسمتی را که لازم دارد از زمین بخیابان بر دارد و ترتیب کوفی را بدهد و دیگر زمینی از جهت توسعه خیابان برای مردم نداشته باشد باین معنی که اگر شهر داری خیابانی بر سر می متر ایجاد نکرد و بعد دید بیست متر احتیاج دارد آن دو متر اضافه را ببلک پس بدهد و این که نوشته شده هر قدر که برای خیابان مورد احتیاج است این بر نفع مالکین است و بر نفع آن اشخاص است که خانه شان جزو خیابان شده است ما خواستیم تصریح کنیم که شهر داری فقط این قسمت زمینی را بنواد بخرد که برای خیابان و گذر احتیاج دارد البته باینکه بیاید یک خطی را ترسیم کنند و بعد بیایند بگویند ما باین قدر احتیاج نداریم و کمتر احتیاج داریم و آن مالوازش را بدیخواهیم بیکتر بیانی عمل میکنیم که بفتح مالک باشد.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۱ - ساختن کف سواره رو های معابر از سنگ باسفالط و اتمال آن بهرینه شهر داری و ساختمان پیاده رو یا کوچه هائی که عرض آنها از هفت متر کمتر و قابلیت پیاده رو سازی ندارند با مالکین مجاور با نمایندگان قانونی آنها خواهد بود.

**تیسر** - در هر خیابان که شهر داری دست بکشد سازی سواره رو بشود ساختمان پیاده رو های آن خیابان و همچنین کف سازی کوچه های متصل بآن خیابان طبق دستور

شهر داری برای مالکین مجاور با نمایندگان قانونی آنها اجباری است.

**تیسر** - ۷ - مالکین مشمول تبصره ۱ این ماده هر گاه با وجود اخطار کتبی یک ماهه شهر داری نتواند بیاورند اقدام بکف سازی پیاده رو با کوچه سهمی خود نمایند شهر داری اقدام بکف سازی نموده هزینه آرا با ده یک اضافه از مالکین دریافت خواهد داشت.

برای پرداخت طلب شهر داری چنانچه از طرف مالکین غیر مشتمل نقاشی قرار افساط بشود شهر داری نقاشی آنها را پذیرفته طلب خود را با بقاضی که حدا کثر از یکسال تجاوز نمیکند دریافت خواهد داشت.

هر گاه سبب به تشخیص متنگ با عدم تمکن و همچنین سبب بملغ و مدت افساط که در هر حال از یکسال بیشتر نتواند بود بین شهر داری و مالک تر نشی نشود هیت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ این قانون بشکایت هر طرفی که مراجعه کرده است رسیدگی نموده و رأی خواهد داد و رأی هیت قطعی است.

**ولیس** - آقای انوار

**انوار** - این ماده دو قسمت دارد یک قسمت است که مالک نمیکند پیاده رو را با کوچه اختصاصی را نمی سازد یک قسم این است که نمیتواند بسازد در این قسم که نمیکند باید شهر داری اقدام کند و بگیرد اما این قسم که نمیتواند در صورتیکه قادر باشد و قدرت ندارد این شخص بشود عقیده ام این است در این صورت اگر شهر داری خودش ساخت دیگر در یک اضافه از او بگیرد همان عین عجز را به افساط بگیرد و ولایتیکه یکساله باشد چون خود شهر داری تصدیق کرده است بر عدم توانائی و چون سمت بر ستادی شهر را دارد این است که بسازد و به افساط از او بگیرد دیگر در یک از او بگیرد.

**عجری** - پیشنهاد فرمایند

**ولیس** - آقای دکتر ادم

**دکتر ادم** - بنده راجع بقسمت اول ماده عرض داشتم

که نمیتواند در صورتیکه عرض کوچه ها کمتر از هفت باشد مالکین کوچه ها خواهند ساخت و چون فعلا در هر کوچه با چهار متر و شش متر و دو متر و اینهاست باید عقیده داشت اگر چنانچه در این قسمت نوبتی بفرمایند و تا شش متر حدی را قرار دهند برای کسیکه در کوچه منزل دارند مناسب تر و عادلانه تر باشد چون برای اشخاص که در آن کوچه ها منزل دارند مزایایی که در خیابان هست آنها آن مزایا و استفاده ها را ندارند و در خیابان عرض پیاده رو که مالکین میسازند سه متر است در خیابان های متوسط شهر هر یک از مالکین کوچه سه متر است در مجاور باشند بسازند گمان میکنم مناسب تر باشد تا اینکه هفت متر را بسازند. خوب است همان شش متر نوشته شود.

**عجری** - فرقی یک متر بیشتر نیست و این موضوع نظر به نیازمندی شهر داری است که اگر تا این حد باشد میتوانست اسفالت کنند و اگر کمتر باشد میشود چون بایستی شهر داری این هزینه را بپردازد.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

بشهر داری بده کار میشوند مکلف هستند بدهی خود را امتیاز بیست روز بعد از اخطار شهر داری بپردازند و اشخاص باینکه هر گونه اعتراضی بابت بدهی داشته باشند میتوانند قبل از انقضای بیست روز بهیئت رفع اختلاف مذکور در ماده ۱۴ شکایت نمایند.

**ولیس** - ماده دوازدهم

ماده ۱۲ - کسائیکه بر اثر اجرای مواد ۱۰ و ۱۱

و رئیس - پیشنهادی که رسیده قرائت میشود.

ایشانجا پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ قانون پیشنهادی را به اصلاحات شهری حذف شود و موضوع حل اختلاف در ماده ۱۴ پیش بیفتی گردد. د. کتر جوان.

مقام محترم ریاست مجلس.

پیشنهاد میکنم در تبصره ۲ ماده ۱۱ نسبت باشخاص غیر متشکن از پیاده، دروسازی یا کوچه خاص شهرداری که اقدام در ساختن میکند ده یک کرکه بشود یعنوب شیرازی و رئیس - یکمسیون رجوع میشود. ماده سیزدهم.

ماده ۱۳ - نسبت بااختلافاتی که بین شهرداری و مالکین نسبت بکلیه اراضی یا تانکون حل نشده بهوزیر عمل میشود اگر مالک یا شهرداری تانکون را برای این قانون بدادگاه مراجعه نموده اند برابر مقررات قانونی رسیدگی میشود و دادگاه برای زمین را بیسببی پیش از توسعه و خریدی تعیین نموده و حق فروش و مرغوبیت را که در اثر اقدامات شهرداری حاصل شده بدون احتیاج بتقدیم دادخواست جداگانه بصرق درخواست شهرداری برابر مقررات این قانون رسیدگی نموده مورد حکم قرار میدهد. اگر تانکون اجرای این قانون شهرداری با صاحبان زمین هنوز بدادگاه مراجعه نکرده اند برابر مقررات این قانون عمل خواهد شد.

و رئیس - ماده چهاردهم. ماده ۱۴ - مرجع حل اختلافاتی که ممکن است در اجرای مقررات این قانون بین شهرداری و اشخاص حاصل شود هیئت پنج نفری خواهد بود مرکب از دو نفر نمایندگان انجمن شهرداری که برای مخفی از نظر انجمن انتخاب میشوند. نماینده وزارت دادگستری. نماینده وزارت کشور. نماینده شهرداری و رأی هیئت نامبرده با اکثریت قاطع و غیر قابل انقواهی خواهد بود.

نیمه - هیئت نامبرده برای مدت یکسال انتخاب و دست کم هفت بکصدقه تشکیل جلسه خواهد داد ترتیب حضور کارمندان هیئت و انتخاب جانشین آنها در صورت غیبت با استعفا و همچنین طرز رسیدگی هیئت بوسیله آیین نامه معین خواهد شد.

آسانته نند و خواه در شهرهایی که در آنجا هنوز هیچ اقدامی نشده پیشنهادی تهیه کردیم که بعنوان ماده ۱۴ مکرر که آخرین ماده این قانون باشد تقدیم میکنم مخصوصاً نظر آقای وزیر کشور و برای این نکته معطوف میکنم که ایشان هم رئیس بر شهرداری هستند و هم رئیس بر بهرداری و تنها اقدام این بسايد باشد که آلوده شوم بعد معالجه کنیم بنده خیال میکنم که اگر رسالتی فراهم کنیم که از آلودگی آب جلو گیری بویونک کمک بزرگی به بهرداری خواهد کرد دیگر بعدها میتا نشود که بهرداری محتاج بایادام بشود.

و رئیس - پیشنهاد خوانده میشود:

ریاست محترم مجلس شورای ملی

ماده زیر را بعنوان ماده ۱۴ مکرر پیشنهاد مینمایم صاحبان آبیه و اقمه در شهرهایی که جیب آن آژس هزار تن نیستند مکلفند تا تاریخ اعلان وزارت کشور در شهر در مدت شش ماه جداول و مجاری آب خانه و مستفل خود را مطابق دستور و نهادهای که شهرداری میدهد بسازند و هرگاه اقدامی ننمودند شهرداری بخرج خود اقدام و باده یک اضافه دریافت میکند - معدل.

و رئیس - در پیشنهاد دیگر از آقای د. کتر جوان و آقای انوار رسیده خوانده میشود:

ایشانجا پیشنهاد میکنم که ماده چهارده پیشنهادی بشرح زیر اصلاح شود

ماده ۱۴ - نسبت بااختلافاتی که ممکن است در مورد مواد این قانون بین شهرداری و مالکین تولید شود دادگستری و انجمن محل در صورت یون آن دادگاه بخش نفوذت و خارج از نومت رسیدگی کرده حکم خواهد داد و عدم حضور هر یک از طرفین مانع از رسیدگی نخواهد بود و حکم این دادگاه قطعی است - د. کتر جوان

مقام محترم ریاست

پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۴ عوض دو نفر از انجمن بکتر از انجمن و بکتر از دادگاه معین شود. یعنوب شیرازی و رئیس - آقای واحدی.

اوجدی - البته آقای وزیر کشور کلاً مقبول هستند که بیکانه قویتر قاطع که میتوان امور جامعه ای را اصلاح کرده و آنها را امیدوار نماید. هیئت قضائی جامعه است این قسمت که در این ماده ۱۴ معین شده است بنده بدینترام شرایط تفاوت را برای این هیئت بطوریکه قوانین تفکیکات قضائی پیش بینی کرد و حتی منع کرده است قاضی را که در دامرو جامعه بکسان افرای خود را در چشم و حتی نسبت به خادم و مخدوم خود حق ندارد در این مورد دخالت کند قائل شوم حالا اصالی میخوانم پنجتن نماینده اختلافات بنا میخوانم حل اختلاف تشکیل میشود در نا از انجمن شهرداری بکتر از نمایندگان شهرداری بکتر هم از وزارت کشور که ریاست کلیه دارد بر شهرداری میشود چهار نفر رأی هم با اکثریت قاطع است و فقط بکتر از وزارت دادگستری که لوهم چه رأی را منفی بدهد چه مثبت رأی با اکثریت حاصل میشود آیا باین چهار نفر ممکن است امیدوار بود که رأی بیطرف باشد (دو نفر نماینده شهرداری بکتر هم از وزارت کشور بکتر هم از اداره شهرداری) بنده معتقد هستم اگر آقای وزیر کشور موافقت بفرمایند این اختلافات را باین دادگاه مراجعه بفرمایند چنانکه در اغلب مطالب شهرداری هم بدادگاه مراجعه میشود بشرط اینکه رأی دادگاه هم قطعی باشد برای اینکه ما بعد از مراحل اولیه مراحل بعدی را که در حدود مقررات قانونی در جهت بالا تر قرار دادیم یک فلسفه هائی دارد نظر کر قبیم و البته این فلسفه هائی که ما برای این درجهت در نظر کر قبیم اینجا هم موجود است و بیاستی این فلسفه را هم در اینجا در نظر بگیریم.

مخبر کمیسیون کشور - این ایراد را که در فرمودند پیشنهاد بفرمایند تا در کمیسیون مورد شور بشود. و رئیس - آقای د. کتر جوان

د. کتر جوان - بنده در ماده چهار پیشنهادی شده بود داشته بودم چون در آن ماده اشاره به ماده چهارده شده بود از این جهت پیشنهاد دیگری هم تقدیم کردم و حالا توضیح عرض میکنم: در قانون فعلی که این قانون برای اصلاح آن

آمده است برای تسریع کار قید شده بود اختلافاتی بین ما و لیکن و شهر داری پیدا میشود در دادگاه شهرستان یعنی در محکمه بدایت طرح نمود وای برای تسریع قید شده بود چکه حکم آن دادگاه بزرگش و فرجام ندارد و این یک حسنی بود برای این که کارهای شهر داری زود تر انجام بشود و استثنائی بر قاعده عمومی بود که این احکام قابل پژوهش و فرجام نیست و بابت جهت اگر اختلافاتی پیش می آمد فوراً محل میگردید بنده در این قانون موجب دیدم که این ترتیب تغییر داده شود و بجای اینکه مطابق قواعد عمومی و قوانین کشور رسیدگی در دادگاه بعمل بیاید اینجا قید شده که رسیدگی در یک هیئت حل شود که آن هیئت همان تریبی که در قانون نوشته که دو نفر از شهر داری یک نفر از وزارت کشور و یک نفر از اداره شهر داری و همان توافق را که آقای اودهی فرمودند دارد و حل اختلافات برای آنها مشکل است برای اینکه یکی از کارهای این هیئت هماهنگی که در جلسه گذشته عرض کردم موضوع انتخاب کارشناس است برقرعه انتخاب کارشناس برقرعه خیلی قواعد دارد در آیین دادرسی مدنی مخصوصاً قید شده است که نباید کسانی که در حضور آنها استماع میشود در این هیئت باشند و کارشناس ها چطور باید باشند و علاوه بر قی که انتخاب شد در طرفین حق اعتراض دارند و یک مقررات دیگری دارد. در این قانون بطور کلی یک ماده معین شده و این هیئت که معین شده یک عیب دیگری دارد که بطور کلی این هیئت نمیتواند شد برای اینکه این هیئت فرضاً معین شد اما اگر داری دارند که در جلسه حاضر شوند؟ این هیئت که حقوق ندارد اگر رئیس دادگاه در روز جلسه اش حاضر نشد تخلف اداری است رسیدگی اداری دارد چون حقوق دارد و خدمتکار دولت است ولی اشعار این هیئت نه حقوق دارند و نه الزامی دارند که در روز معینی کارهای شخصی خودشان را بکنند و بیایند و بالاخره کارهای این هیئت بقدری زیاد خواهد شد که اگر کارهای شخصی خودشان را هم کنار بگذارند

هم که نکایت کرده است حق دارد یک هیئت معین میشود همان از شهر داری؟ آخر آن شخص هم ابراهیم دارد باید حق داشته باشد بگوید بنده پیشنهادی کردم که دو نفر از طرف اینجمن شهر داری یک نفر از طرف دادخواه باشد و اما ترتیب سابق فلسفه ای داشته و حالا شاید نظر بآن ترتیب باشد و البته ممکن است کردن دادگاه خیلی سهولت و شاید نظر شهر داری برای سرعت بوده است که زود تر انجام شود و اگر بنا باشد این ماده بانی بماند بنده بدان پیشنهاد میانی هستم که از طرف محاکم یک بکنتر باشد یعنی از طرف آنکس که دادخواه است یک نماینده معین بشود. این یک موضوع. موضوع دوم راجع قسمتی که آقای معمل پیشنهاد کردند که بشهر حالی که سی هزار جمعیت داشته باشد (بخار که کند که در طرف شش ماه جدول بپارند گمان میکنم آقای معمل خوب گردش نکرده اند همه قدرت برایشان نیست در صورتیکه قدرت داشته باشند و خیابانها بشان و امثال خیابانهای تهران دست بکنند البته خیلی خوب است ولی نمیدانم که میشود یا نه و امیدوارم که بتواند خیلی هم خوب است.

رئیس - پیشنهادی رسیده است خوانده میشود:

ریاست مجترم مجلس شورای ملی

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۴ زیر شرح اصلاح شود.

ماده ۱۴ - مرجع حل اختلافاتی که ممکن است در اجرای مقررات این قانون بین شهر داری و اشخاص حاصل شود دادگاه شهرستان خواهد بود - اودهی.

ایشان پیشنهاد میکنند که تفسیر زیر بماده ۱۴ اصلاحی قانون معابر علاوه شود:

تقصیر - در صورت احتیاج برقرعه برای تعیین کارشناس مشترک که در این قانون پیشبینی شده استماع در دادگاه شهرستان در صورت نبودن آن در دادگاه بخش بعمل آید.

در کتر جوان.

رئیس - ماده ۱۵ خوانده میشود:

ماده ۱۵ - آیین نامه های وابسته باین قانون پس تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذاشته میشود.

رئیس - ماده ۱۶ - وزارت کشور و وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون میشوند.

رئیس - ماده ۱۷ - این قانون از تاریخ تصویب بموقع اجرا گذاشته میشود و قانون توبه معابر معصوب باایام ۱۲ ابوابیکرد.

رئیس - رأی گرفته میشود بود در مورد آقایان موافقت دارند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد [شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی]

رئیس - شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی مطرح است. گزارش کمیسیون خواهد، میشود گزارش از کمیسیون بازرگانی به مجلس شورای ملی کمیسیون بازرگانی لایحه شماره ۱۶۸۷۸ دولت را بمجلس قانون انحصار بازرگانی خارجی را با حضور آقای کبیل وزارت بازرگانی تحت شور دارد با توضیحی مفصلی که در اطراف مواد لایحه نامبرده داده شد با موافقت اینجمن دولت موافقت حاصل شده اینک گزارش برای شور اول تقدیم میشود.

رئیس - مذاکره در کلیات است (تعالی نیست) رأی گرفته میشود بود در شور مواد موافقین بر خیزند (بیشتر برخاستند) تصویب شد. ماده اول:

ماده یکم - بند (ب) و (ج) ماده ۳ قانون انحصار بازرگانی خارجی معصوب ۱۹۱۹ زیر شرح بازرگانی اصلاح و تغییر داده میشود.

بند ب - در فرودین ماه هر سال وزارت بازرگانی صورت کارهای خارجی را که برای آنها دو طرف آن پروانه ورود داده خواهد شد تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران انتشار خواهد داد.

بند ج - در صورت نامبرده که مهمیه نامیده میشود



در طی سال اجازه ورودش داده شود.

رئیس - پیشنهاد رسیده است خوانده میشود:

پیشنهاد میشود در بند (ج) عبارت (و کمرک خانه هائی که از آنجا کلاهای مزبور را میتوان وارد نمود) حذف شود  
دکتر طاهری.

رئیس - یکم: چون رجوع میشود. ماده دوم:

ماده دوم - بندها ۳ و بندها ۴ بشرح زیر تغییر مییابد.

بندها ۳ - ماشین آلات و کلاهای طرف احتیاج که به منظور انتقال سرمایه وارد میشود و برای آن پرداخت ائز مورد احتیاج باشد.

بندها ۴ - اشیاای که بعنوان هدیه یا ارمغان یا نمونه یا کلام وارد میشود در حدود نظامات مقرره از طرف دولت  
رئیس - آقای د. دکتر طاهری.

دکتر طاهری - در این قسمت از قانون انحصار تجارت که اصلاح کرده اند چون خود قانون نیست در آن قسمت که تغییر میدهند خواستیم یک توضیحی بخواهیم که در آن قسمت که ماشین آلات و کلاهای طرف احتیاج که به منظور انتقال سرمایه وارد میشود و برای آن پرداخت ائز مورد احتیاج باشد مقصود چیست از چه چیز معاف است معلوم نیست و همینطور قسمتهائی که در بند ۴ ذکر شده منظور این است که مشمول چه مقرراتی است توضیح بفرمایند.

فقیر وزارت بازرگانی - همانطور که خودشان حدس زدند راجع به معافیت از مقررات ورود است که ماشین آلات و کلاهای که یک کسی که در کشور بیکانه دارد که خودش میخواهد وارد بکند به ایران اگر خواست آن ماشین آلات و کلاها را بیازورد بایران در موقع ورود از او دیگر که اهرنامه

مدرود مدلیه نیستند و همچنین اشیاای که بعنوان هدیه یا ارمغان و نمونه وارد میشود آفرای از آن کوهائی نامه صدور مطالبه نمیکند و مقصود بخشودگی از کوهائیهامه صدور است

رئیس - ماده سوم:

ماده سوم - مواد ۵ و ۸ و ۹ بشرح زیر اصلاح و تغییر داده میشود.

ماده ۵ - بشرح زیر مواردی که دولت خود تصدی صدور محصولات ایران شده با حق انحصار صدور خود را علاوه بر بخشش با تنگنای و اگذار بدو نام با صدور کلاهای را متوجع با محدود کرده باشد صدور سایر کلاها با رعایت شرایط و مقرراتی که بشعوب دولت رسیده باشد مجاز است.

ماده ۶:

الف - کلاهای صدور از نظر تسلیم کوهائیهامه صدور مطابق نرخ زیر کترین بارار عمده فروشی داخلی با استفاده کرایه با بری از آن بشار از مرز صدور و حقوق و عوارض صدور از برای می شود.

در مورد کلاهای قبل از صدور فروخته شده است میتوان میزان مامایه انجام یافته را مأخذ از برای قرار داده و کرایه با بری را نرخ و حقوق و عوارض صدور را در صورتیکه ضمن بای مورد معامله منظور شده باشد بآن اضافه نمود

لیکن هرگاه بای معینه در قرارداد معامله از مأخذ بای عمده فروشی دور بوده و مطابق واقع بودن آن مورد تردید واقع شود در صورتیکه تشخیص میزان حقیقی معامله در

کمرک صدور میسر نکند بای عمده فروشی بترتیب مشروح بالا موقتاً مأخذ از برای واقع شده و برای انحصار تعیین قطعی رسیدگی اسر ادارات مربوطه سرری مرجع

میشود. دولت میتواند برای از برای تمام یا بایر از کلاهای صدور نرخ ثابتی برای مدت معین تعیین بدو و دیگر کتاهات اطلاع دهد که نرخ مزبور را مأخذ از برای قرار دهند.

ب - کمرک کتاهات که مقتضد برای هر فقره و مرفوع کلائی فرستاده اس از حدود الحظیفان در اینیکه از مرز کشور خارج شده است کوهائی نامه جدا گانه که در آن نام و نشان فرستنده و مقصد از و از برای کلا و کمرک کتاهات صدور کشور

مقصود و تاریخ خروج از مرز و سایر مشخصات مورد احتیاج معلوم شده باشد بفرستنده کلا با نمایندد لویدهند.

ج - دارند گن کوهائی نامه صدور میتواند آفرای در ظرف مدت اعتبار قانونی که از تاریخ تسلیم برك کوهائی نامه صادر کننده تا یکسال است منحصراً باینانک عامل دولت

بفرشند - بانک مزبور مکلف است کوهائی نامه های صدور را بشرخی که از طرف دولت تعیین میشود بدهد که از ماه تجاوز نکند خریداری نماید.

د - وارد کنندگان کلاهای خارجی که برای ورود اسر پروانه ورود احتیاج بشکوائ نامه صدور دارند باید کوهائی نامه مورد احتیاج را از بانک عامل دولت بشرح معینه طرف دولت خریداری نمایند.

تیسره - نرخ خرید و فروش کوهائی نامه صدور از برای دولت تعیین و آگاهی میشود تعیین نرخ فقط نسبت بشکوائ نامه هائی مؤثر خواهد بود که کلائی موضوع آنها اس

تاریخ نشر آگاهی از مرز کشور خارج شود. نسبت بشکوائ نامه های خریداری از بانک تغییر نرخ از تاریخ نشر آگاهی مؤثر خواهد بود.

۱ - برای کلاهای زیر کوهائی نامه صدور داده نمیشود: ۱ - اسباب سفر و اشیا شخصی مسافین.

۲ - اشیاای که بعنوان هدیه یا ارمغان و یا نمونه به خارج اسرا میشود.

۳ - کلاهای که بطور کلیون از مرز یک ایران صادر و از مرز دیگر وارد میشود.

۴ - مواد نفتی

۵ - معمول شیاات

۶ - کتاب اسر از خطی و چاپی

۷ - کلاهای خارجی

۸ - تیر پست و اشیاای بقیقه و برده های قاضی

و - چندین کلائی فرستاده که برای آن کوهائی نامه صدور داده شده است بشکورت عودت داده شود باید از طرف فرستنده کوهائی نامه صدور که برای آن کلا داده شده بشکورت با کوهائی نامه صدور دیگری مدال آن مسترد و باطل شود بای فروشی این قبیل کوهائی نامه ها از طرف بانک مطابق بای خرید خواهد بود نه بای فروشی.

ز - سایر مقررات مربوط کلاهای صدور و صادر کننده گن بشعوب آیین نامه که بشعوب هیئت وزیران

میزان هر یک از محصولات و کمرک خانه هائی که از آنجا کلاهای مزبور را میتوان وارد نمود و نوع کلا هائی که متصدی ورود آنها خود دولت خواهد بود و کلا هائی که اجازه ورود آن بدیگران داده میشود تعیین خواهد کردید.

از بند (ز) ماده ناهبرده کاهه اقتصادی که در مورد ذکر شده است حذف میشود.

رئیس - آقای انوار.

انوار - در قوانین بودجه که به مجلس تقدیم میشود موادش معین است بک ماده ایست که اعتبار میگیرد هر وزارتخانه برای مخارج غیر مترقیه که در آن سال باعتبار آن مخارج دست وزیر باز باشد که اگر یک مخارج غیر مترقیه پیش بیاید باعتبار آن مخارج غیر مترقیه خرج کند. اینجاست

از آقای کتیل بازگانی سؤال کنم که کلاهای که بعنوان سهمیه در فروردین هر سال صورت آفرای اعلام و منتشر میکنند چون در اینجا بخیال میکنم ماده ندارد که اگر در وسط سال آن کلائی فوق العاده مورد احتیاج واقع شد با

این که آن را اعلام نکرده اند از نظر مرحله عملش بدو خواستیم بدان تکلیف آن چه چیز است؟

فقیر وزارت بازرگانی (آقای وثیقی) - عرض کنم کلاهای که در ظرف سال اقتصادی باید وارد شود در ظرف ده سالی که قانون انحصار بازرگانی خارجی اجرا شده در اول هر سال پیش بینی میشود که چه کلا هائی مورد احتیاج است.

این کلاها از جهت ممنوع بودن و کلاهای مجاز بر دو قسم است آگاهی که ممنوع است اول هر سال سهمیه ذکر میشود و مسلم است که تا آخر سال اجازه داده نخواهد شد. اما نسبت به کلاهای مجاز همانطور که فرمودند

ممکن است مبللی که پیش بینی شده کافی نباشد یعنی در جریان سال احساس شود که کافی نیست و احتیاج بیشتری هست برای آن در خود قانون پیش بینی شده است که دولت حق دارد مبلغ را اضافه کند و آن اضافه که بشعوب

میشود مثل اسل مبلغ بوسیله جراید با اطلاع عموم خواهد رسید و کلاهای غیر مجاز اصلاً مورد پیدا نمیکند که

۱۰ -

رسیده باشد، مینویسد.

ماده ۸:

الف - دولت مکلف است پس از تعیین و نشر سنجیه های مذکور در ماده ۳ و موضوع مرسوم قسمتی از کلاهای وارد آن بر طبق قرارداد های مخصوص باید پس از آن حد حق وارد نمودن پنده کلاهای مینماید در سنجیه را پس از پند پروانه ورود با تشخیص و با پیشنهاد های بازگشتی را اکتفا نماید.

ب - برای تحصیل پروانه ورود و پرداخت کشته باید درخواست کتبی یا ذکر نوع و های کلاهای ورودی و کشور مبدا و کمر کخانه ای که از آن کلا وارد خواهد شد و نام و نشان خود و سایر توضیحاتی که از طرف وزارت بازرگانی تعیین شود به وزارت بازرگانی تسلیم نماید. بلامانع مقررات مربوط به معاملات ارزی خارجی را هم کلا انجام دهد. باستانی مواردی که در این قانون مبین شده درخواست کننده باید برابر بهای کلاهای موضوع درخواست کواهی نامه صدور که از بانک عامل دولت خریداری شده باشد بدخواست خود پیوست و با تسلیم و الا بدخواست او ترتیب اثر داده خواهد شد.

ج - در پروانه ورود که از طرف وزارت بازرگانی صادر میشود اطلاعات مذکور در فقه (ب) این ماده و توضیح اینکه پروانه ورود بر طبق کدام شماره کواهی نامه صدور صادر گردید، ذکر خواهد شد. همچنین در پروانه ورود مدت اعتبار آن باید تعیین شود و در ظرف مدت مزبور اگر بدهد پروانه مکلف بودارد نمودن کلاهای موضوع پروانه خواهد بود.

تبصره - حداکثر مدت اعتبار پروانه ورود مستند بکواهی نامه صدور بکمال ومدت اعتبار پروانه ورود و معاف از خرید کواهی نامه صدور جهت مصادرات و لکن در مواردیکه بموجب اسناد و مدارک کافی محقق شود عدم استفاده از پروانه ورود در ظرف مدت مقرر بر اثر پیش آمدی بوده که دارند پروانه قادر بر رفع آن نبوده است وزارت بازرگانی میتواند دولت استفاده از پروانه ورود را برای مدت مناسبی که در هر حال

د - وارد کردن اشیا ذیل بکشور محتاج به ارائه پروانه ورود میباشد.

۱ - آنچه بعنوان ترانزیت یا کابوژ وارد میشود.  
۲ - اسباب سفر اشیا و بعضی مسافرتی در حدود محتاج باقی آنها بدستخیز انباره کمرکس.  
۳ - اشیا منزل و ابزار کار و دامهای مهاجرین از برای در مرقع یا زکشت زمین.

۴ - زر و سیم و شکست شیش و خاک و مسکوک.  
۵ - روزنامه و مجله و کتابخانه.  
۶ - بونه بی بها.

تبصره - اشیا که در ورود آنها بکشور و مطابق مقررات این قانون از ارائه پروانه ورود معاف میباشد از التزام خرید کواهی نامه صدور نیز معاف خواهد بود. پروانه ورود کتاب بدون اخذ کواهی نامه صدور داده میشود.

۷ - کلاهای موضوع مبادلات مرزی تا میزان هزار ریال در ورود و صدور ممکن است بموجب تصویبیه هیئت وزیران از ارائه پروانه ورود و گرفتن کواهی نامه صدور معاف گردد.

و - دولت میتواند چگونگی ساخت کلاهای خارجی و طرز بسته بندی آنها را بشکل مخصوص شرط ورود قرار دهد. رئیس - آرای نوار:

نوار - در اینجا توجه میدهم آقای قنیل را بنده خواستم مطلبی را عرض کنم. یکی اینکه در مسئله کتب اینقدر سهلیات قابل میشود برای کتب این اسم است که خیلی و چایی که کواهی صدور نمیدهند و تمام کتب خیلی و با باین ترتیب از کشور خارج میشود در این باب ما باید جدیت کنیم و وقت کنیم که یک هیئت بازرسی انتخاب شود که خیلی خوبتر باشد حالا بنده در این باب گفته پرستم خوب ماضی ندارد چه کنم گفته پرستم یکی دیگر اشیا غنچه و تبر پست و پرده های نقاشی است حالا تبر پست چندین اشکالی ندارد ولی غنچه و پرده های نقاشی اینها هم مربوط به یک مانی و جانی است که نزد گمرکی آن دولت

را بپردازد آنها را هم حق باید آنه بپردازند و باین طریق خارج کنند و چوبه های بیشتر در بارگاه بپردازند و باین طریق است و دیگر چیزی برای ما باقی نمیداند بنده پیشنهاد میکنم که در این دو مورد اگر اجازه داده میشود اجازه آنست تحت نظر یک هیئت علمی باشد که در این باب ترتیبی که کنند و منابع برتنی را خیلی بچیزهای و الا اجازه اورد و مطابق بنده خدمت انبارم.

کلیل و قدرت بازرگانی - آقای انوار اشیا ابروید صورت کردند و مقرراتی که اینجا ذکر شده از لحاظ سهل است و در صورتیکه برعکس است از لحاظ تأمین مایان منظور ایشان است و در کتاب با پرده نقاشی یا ترابری دارد که این رعایتها کمالی دارد و میشود و وقت میشود که چیزهایی که از نظر عتیقه بودن و آثار تاریخی اهمیت دارد در خارج قفس آنها سهل شود و اینکه اینجا ذکر شده است که با این چیزها کواهی نامه صدور داده میشود و بدون کواهی نامه صدور تسهیل نیست بلکه یک نوع منع غیر مستقیم است از صدور یعنی اگر کسی خواست کلاهای صادر کند مطابق ارزش آن کواهی نامه صدور باو میدهند و آن کواهی نامه را میتوان بدرد پس کدک و تویونی میشود به صدور آن

کلاهای وقتی کتبتیم به یک کلاهای کواهی نامه صدور میدهم. بنایان میزنند بدورست بدایم و پیشنهادی خارج شود باینرا به منظور ایشان حاصل است.

و رئیس - پیشنهادی از آقای انوار رسیده است خواندم بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۷ جزء ۶ خروج کتب خطی با اجازه باشد.

رئیس - به کمیسیون رجوع میشود. ماده چهارم: ماده چهارم - مواد ۷ و ۱۰ قانون اعتبار بازرگانی خارجی بموجب ۱۹ بر ۱۳۱۱ و قسمتهای ارزی ماده ۱۱ قانون بازرگانی ملی است.

رئیس - ماده پنجم خوانده میشود: ماده پنجم - قوانین بازرگانی زیر ملای است. قانون جلوگیری از اجناس ممنوع ورود بموجب ۳۱ خرداد ۱۳۱۱.

- ۲ - قانون ۱۱۱۱ و ۲ قانون انحصار تجارت خارجی  
راجح پنهان ارز صادرات مصوب ۲۴ دیماه ۱۳۱۱ .
- ۳ - قانون اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار  
تجارت خارجی مربوط به ارز و اجازه وضع مقررات جدید  
بدولت مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲
- ۴ - قانون مربوط به بدت اعتبار پروانه ورود مصوب ۲۵  
تیر ماه ۱۳۱۲
- ۵ - قانون راجح بدت اعتبار تصدیق صدور مصوب  
۱۹ شهریور ۱۳۱۲
- ۶ - قانون اصلاح ماده ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی  
مصوب ۸ اسفند ۱۳۱۲
- ۷ - قانون راجح بهادارات تصدیق صدور مصوب ۱۹  
تیر ماه ۱۳۱۳

- ۸ - قانون تعیین نرخ خرید و فروشی تصدیق صدور  
مصوب ۱۸ اسفند ماه ۱۳۱۳
- ۹ - قانون اصلاح پاره ای از مقررات قانون انحصار  
تجارت خارجی مصوب ۷ آبان ماه ۱۳۱۵
- ۱۰ - قانون اجازه تصدیق اعتبار پروانه ورود مصوب  
۵ دی ماه ۱۳۱۶
- رئیس - رأی گرفته میشود و ورود شور دوم موافقت بر  
خبریه (بیشر برخاستند) تصویب شد.
- ۱۱ - مواقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه (
- رئیس - اگر تصویب میشود باید جلسه را ختم کنیم  
(صحیح است) جلسه آینده روز پنجشنبه اول تیر ماه  
به ساعت پانزده از ظهر دستور لوائح موجوده (
- مجلس پانزده ساعت بعد از ظهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

## قانون

### راجح بهترین گردش اسکناس

ماده واحده - بانک ملی ایران مجاز است تا دوازده میلیون ریال اسکناس دوجمرقه در گردش داشته باشد  
و در مواقع لزوم از این اجازه استفاده نماید . کسر پشتوانه را کد اسکناسهای در گردش از اعتبار چاهرات تأمین میشود .  
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و پنجم خرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست و سه مجلس  
شورای ملی رسید .